**نگاهی به حقوق حیوانات در اخلاق محیط زیست اسلام از منظر نهج‌البلاغه**

سال اول، شماره سوم، تابستان 1389، ص 145 ـ 158

پروانه رضایی\*

چكیده

برخی از متفكران معاصر غرب بر این عقیده‌اند كه ادیان، از جمله اسلام، عامل اساسی تخریب و ایجاد بحران محیط زیست‌اند. این مقاله با ردّ این ادعا، اثبات می‌كند اخلاق زیست‌محیطی كه غربی‌ها در دورة معاصر در اندیشة رعایت آن برآمده‌اند، پیش‌تر در منابع و آموزه‌های دینی و اسلامی بدان توجه شده است. در این میان، ریزترین نكته‌های اخلاق زیست‌محیطی مانند توجه و اهتمام به آبادانی زمین و طبیعت، سفارش به حفظ حقوق كشاورزی و دامپروری، رعایت عدالت در رفتار با حیوانات و بچه‌های آنها، پرهیز از استفادهای بی‌حدّو‌حصر و اجتناب از اذیت و آزار موجودات در سیرة علوی، به ویژه كتاب نهج البلاغه بازتاب گسترده‌ای داشته، و افزون بر آن، امام‌علی(ع) راه‌كارهای عینی حفاظت از محیط زیست را ارائه كرده است. امام‌علی‌(ع)، در نهج‌البلاغه به تنظیم رفتار كارگزارنش، در بهره‌برداری از حیوانات به گونه‌ای دقیق و قابل توجه پرداخته است. این مقاله به بررسی موارد مذكور در نهج‌البلاغه می‌پردازد.

كلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، اخلاق، زیست‌محیط، حقوق حیوانات

دنیای معاصر به دنبال تحولات همه‌جانبه در زمینه‌های علمی، فناوری، اجتماعی، فرهنگی و...، شاهد پیدایش علوم و فنون نوین و بین رشته‌ای متعددی است. بشر افزون بر توجه به موضوع‌های انسانی، به محیط و پدیده‌های پیرامونی كه در خدمت و تسخیر انسان قرار دارد، اهتمام ویژه‌ای ورزیده است. اخلاق زیست‌محیطی در دورة معاصر، ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب كرده است. متفكران معاصر، با گرایش‌های انسان‌محور نشئت گرفته از فلسفة مدرن، ادیان الهی و آموزه‌های دینی را از عوامل اساسی تخریب محیط زیست و تهدید آن می‌دانند. لین وایت در سال 1967 م در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌های تاریخی بحرانهای اكولوژی»، سنت مسیحی و یهودی را عامل بحران‌های زیست‌محیطی معاصر دانست كه در آگاهی زیست بومی در جامعة دینی نقش مهمی ایفا كردند. وایت در آن مقاله بیان كرد كه مسیحیت در بحران زیست‌محیطی نقش عمده‌ای دارد. به عقیدة او، جهان‌نگری مسیحی و امر كتاب مقدس به حاكمیت بر طبیعت، زمینة رویكرد ابزاری و نه احترام‌آمیز به طبیعت و انگیزة تكوین علم و فناوری را كه از لحاظ زیست‌محیطی مخرب باشد، فراهم آورده است.

آرنولد توین بی نیز در گفت‌وگو با دای ساتو ایكه دا، دانشمند ژاپنی به این نتیجه رسید كه دین مورد نیاز بشر كنونی، خدایی‌گرایی است كه احترام به منزلت و قداست كل طبیعت را تعلیم می‌دهد و یكتاپرستی یهودی توجیه‌گر بهره‌برداری حریصانه بشر از طبیعت است؛ چیزی كه بشر كنونی به آن نیاز ندارد. لكن بسیاری دیگر از متفكران عرفی زیست، دانشمندان و فعالان حوزة محیط زیست، به دلیل اشتراك هدف و تعهد، به جامعة دینی روی آوردند. برای مثال، در سال 1992، یكصد و پنجاه دانشمند و رهبر دینی، در همایشی بیانیه‌ای صادر كردند كه تصوری عمیق از هدف و تعهد مشترك برای اقداماتی جسورانه به منظور حمایت از محیط زیست ارائه می‌داد و خواهان همكاری مشترك دین و علم برای حمایت از محیط زیست شدند. بر همین اساس، بسیاری از متفكران برای ردّ ادعای وایت، سنت مسیحی را مجدداً بررسی كردند تا منابعی برای تفكر و اشتغال كلامی معطوف به محیط زیست بیابند. تاكنون، برای عملیاتی كردن یا به كاربردن اخلاق یا بینش جدید دربارة مسائل گوناگونی كه بحران محیط زیست را پدید می‌آورند، تلاش اندكی انجام شده است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است كه متفكران زیست بومی غرب، خواهان گفت‌وگوی بیشتر میان علم و دین در جهت پدید آوردن اخلاق زیست‌محیطی مجهز به علم هستند.

دنیای معاصر غرب، در حالی به دنبال ایجاد نگرش‌ها و آرا و تفسیرهای جدید دینی دربارة حمایت مسیحیت از اخلاق محیط زیست است كه اخلاق زیست‌محیطی، در كتاب جاودانه و مقدس قرآن و روایات نورانی معصومان و آموزه‌های دینی به شكلی شفاف و گسترده، بیان شده است. در قرآن كریم، بارها به احیای طبیعت و عناصر طبیعت از قبیل دریا، كوه، درخت، باد، آب، خاك، آسمان، زمین، چارپایان و پرندگان و ...اشاره، و به منزلة آیات و نشانه‌های خالق جهان هستی بدان‌ها توجه ویژه شده است. در این میان، اخلاق محیط زیست در كتاب نهج‌البلاغه كه كتابی بالاتر از كلام مخلوق و پایین‌تر از كلام خالق و مبتنی بر كلام وحی و اندیشه‌های اسلام ناب محمدی(ص) و بیانگر سیرة علوی و رهنمون‌های روشنگر حضرت علی‌(ع) است‌ـ به روشنی و فراوان بازتاب یافته است. مقالة حاضر، می‌كوشد به تبیین اخلاق محیط زیست در نهج‌البلاغه بپردازد و نشان دهد كه اولاً توجه به محیط زیست، دستاورد دنیای معاصر غرب نیست، بلكه خاستگاه آن آموزه‌های دینی و اسلامی است؛ ثانیاً بطلان تفكر اندیشمندان معاصری مانند وایت و دیگران را مبنی بر اینكه دین عامل اساسی تخریب محیط زیست است، اثبات كند.

محیط زیست و اخلاق

محیط زیست در حقوق ایران، عبارت است از: «فضایی با تمامی شرایط فیزیكی و بیولوژیكی، اجتماعی و سیاسی و غیره كه همه موجودات زیست‌كننده در آن را شامل می‌شود و مجموعة روابط آنها را دربرمی‌گیرد». بنا بر این تعریف، می‌توان عناصر و اركان محیط زیست را شامل این موارد دانست: مكان و فضا، شرایط فیزیكی و زیستی، حضور زیست‌كنندگان، تنظیم روابط میان زیست‌كنندگان. اخلاق كاربردی نیز كه در حقیقت زیرمجموعة اخلاق هنجاری یا به تعبیر دیگر همان اخلاق هنجاری می باشد، درصدد است در حوزه‌های خاصی از زندگی فردی و اجتماعی، كاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریة اخلاقی را در زمینة مسائل اخلاقی خاصی نشان دهد. اخلاق زیست‌محیطی از جمله مباحثی است كه زیرمجموعة اخلاق كاربردی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، اخلاق محیط زیست شاخه‌ای از اخلاق كاربردی است كه به برخورد انسان‌ها با عالم غیرانسانی و عناصر غیرانسانی می‌پردازد. از این‌روی، آنچه به طور مستقیم مورد توجه اخلاق محیط زیست قرار دارد، بررسی چگونگی رابطة عوامل انسانی آگاه و خود مختار با چیزهای موجود در محیط زیست است. بنابراین، اخلاق زیست‌محیطی به موضوع‌های عام دربارة زوایای متعدد رابطة افراد انسانی با محیط پیرامونی و زیستی‌اش می‌پردازد.

پس از بیان مطالب مقدماتی، لازم است مروری كوتاه به اخلاق محیط زیست اسلام، ماهیت و محور این اخلاق داشته باشیم. در مكتب توحیدی اسلام، اخلاق زیست‌محیطی، اخلاقی خدا‌محور است؛ زیرا برگرفته ازجهان‌بینی توحیدی است كه در آن، خدا محور جهان، خالق و نگهدارندة آن می‌باشد. بنابراین، مراقبت از محیط زیست، مراقبت از چیزهایی است كه متعلق به خداوند است. برخی به این دیدگاه، ایراد انسان‌محور را گرفته‌اند؛ زیرا معتقدند انسان را در مقایسه با سایر موجودات در مرتبه‌ای متفاوت می‌بیند. در پاسخ باید گفت انسان در ادیان ابراهیمی متفاوت از دیگر مخلوقات است، ولی به دلیل مسئولیتی كه در برابر خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد. اینچنین مسئولیتی مستلزم آن است كه در هنگام تصمیم‌گیری دربارة محیط زیست، پیامدهای ممكن بر سایر موجودات زنده نادیده گرفته نشود. بنابراین، پاسخ اخلاق زیست‌محیطی اسلام به دو پرسش اساسی اخلاق این‌گونه است: 1. چه چیزی به طور ذاتی دارای ارزش است؟ تمامی مخلوقات زنده و غیرزنده (كل هستی) مخلوق خداوندند و به همین دلیل، دارای ارزش و شایستة توجه اخلاقی می‌باشند؛ 2. چه چیزی باعث می‌شود یك عمل، درست یا نادرست محسوب شود؟ انجام دستور‌های الهی برای ارتباط با زیست بوم. بنابراین، اخلاق محیط زیست اسلامی مبتنی بر عدالت در رفتار و تعامل با محیط پیرامونی است و گسترة رفتار عادلانه، نه تنها به انسان محدود نشده است، بلكه به تمام اركان جهان هستی ـ جاندار و بی‌جان ـ تسری پیدا كرده است. در نظام هستی، همة موجودات در تسخیر خداوند قرار دارند و از آنِ خداوند هستند و بسوی او در حركت و جنب‌و‌جوش‌اند. بر این اساس، اخلاق زیست‌محیطی بر تبیین رفتار، نوع نگاه و نیز تحدید و تعیین وظایف انسان در برابر عناصر تشكیل‌دهندة محیط (طبیعت و پدیده‌های پیرامونی مانند گیاهان، پرندگان و حیوانات و ...) مبتنی است. اینجاست كه می‌توان ادعای لین وایت و كسانی كه ادیان توحیدی را عامل اساسی تخریب محیط زیست معرفی می‌كنند، ادعایی پوچ و باطل دانست؛ زیرا انسانی كه خداوند، آسمان و زمین و هرچه درآنهاست را مسخر او گردانیده، انسانی است كه در درجة اول، خدا را خالق و مالك كل هستی و صاحب اختیارخود و آنها می‌داند. و در درجة دوم، خود را در مقابل خداوند و مخلوقات او مسئول می‌داند؛ نه انسان مورد نظر مكتب‌های اومانیستی كه انسان را محور عالم می‌دانند و آزادی‌های بی‌حدوحصر برای او قائل‌اند.

حقوق حیوانات در نهج‌البلاغه

حیوانات از مهم‌ترین زیست‌بوم‌هایی‌اند كه حقوق آنها بیش از هر موجود دیگری توجه مدافعان زیست‌محیطی را به خود جلب كرده است. در دهه‌های اخیر، توجه جوامع به این مطلب جلب شده است كه فقط انسان‌ها از حقوق مختلف برخوردار نسیتند؛ بلكه تمام آنچه روی زمین وجود دارد، مانند كوه‌ها، دریاها و حیوانات و گیاهان نیز دارای حقوق می‌باشند. چند سالی بیش نیست كه انجمن‌های حمایت از حقوق حیوانات سراسر دنیا متوجه حیوانات و حق و حقوق آنها شده‌اند و به این مسئله پرداخته‌اند. بیانیة جهانی حقوق حیوانات به طور رسمی در تاریخ 15 اكتبر 1978 در شورای مركزی یونسكو اعلان شد. مفاد این بیانیه توسط اتحادیه بین‌المللی حقوق حیوانات در سال 1989 مورد تجدید نظر قرار گرفت و از 1990 به رئیس مجمع عمومی یونسكو تسلیم، و در همان سال منتشر شد. این بیانیة ده‌ماده‌ای بیانگر حقّ و حقوق حیوانات بر انسان و نحوة رفتار و نگهداری از آنهاست. طرفداران حقوق حیوانات معتقدند حیوانات حقوق قانونی و اخلاقی معینی‌اند كه شامل حقّ مورد صدمه و آزار قرار‌داده‌نشدن آنها نیز می‌‌شود؛ در حالی‌كه اسلام قرن‌ها پیش با لطافت و دقت تمام به این مسئله مهم در قرآن كریم و سایر متون دینی توجه كرده است. در این میان، حضرت علی‌(ع) در نهج‌البلاغه به شكل تقریباً برجسته و مبسوط در خطبه‌ها و نامه‌ها به موضوع موردبحث پرداخته است.

1-3.رعایت حقوق حیوانات توسط كارگزاران

حضرت علی‌(ع) در نامه‌ای به یكی از كارگزارانِ مسئول گرفتن زكات، ضمن تأكید بر رعایت حقوق انسان‌ها، به چگونگی رعایت حقوق حیوانات می‌پردازد:

الف) تنظیم شیوة ورود به میان حیوانات: حضرت در این باره تأكید می‌كند مانند كسی كه بر رمه و حیوانات چیرگی و تسلط و قصد آزار و اذیت آنها را دارد بر آنها وارد نشو:«فَإنْ كَانَتْ لَهُ مَاشِیةٌ أَوْ إِبِلٌ فَلاَ تَدْخُلْهَا إِلاَّ بِإِذْنِهِ، فَإِنَّ أَكْثَرَهَا لَهُ، فَإِذَا أَتَیتَهَا فَلاَ تَدْخُلْها دُخُولَ مُتَسَلِّط عَلَیهِ وَلاَ عَنِیف بِهِ، وَلاَ تُنَفِّرَنَّ بَهِیمَةً وَلاَ تُفْزِعَنَّهَا...»

ب) پرهیز از جدایی‌افكندن میان حیوانات و نوزادنشان: امام در همین نامه به كارگزار خود سفارش می‌فرماید چنانچه مؤدیان زكات تمایل داشتند زكات شتر و گوسفندان را بپردازند، این‌گونه عمل كنید: «میان ماده شتر و بچة شیرخوارش جدایی بیفكن، و ماده را چندان ندوشان كه شیرش اندك مانَد و به بچه‌اش زیان رساند».

ج) عدالت در رفتار با حیوانات: حضرت در این خصوص می‌فرماید چنانچه از حیوان به عنوان مركب استفاده شد، نباید آن را خسته كرد. امام‌(ع) در ادامه بر رعایت عدالت میان حیوانات نیز تأكید می‌كند: «میان آن شتر مركوب و سایر شتران عدالت را برقرار ساز و شتر خسته را آسوده گردان و آن را كه كمتر آسیب دیده یا از رفتن ناتوان گردیده آرام ران». همچنین بر تغذیه حیوانات و سیراب كردن و استراحت دادن به آنها نیز سفارش اكید می‌كند: «وَلْیورِدْهَا مَا تَمُرُّ بِهِ مِنَ الْغُدُرِ، وَلاَ یعْدِلْ بِهَا عَنْ نَبْتِ الاَْرْضِ إِلَى جَوَادِّ الطُّرُقِ، وَلْیرَوِّحْهَا فِی السَّاعَاتِ، وَلْـیمْهِلْهَا عِنْدَ النِّطَافِ وَالاَْعْشَابِ، حَتَّى تَأْتِینَا بِإِذْنِ اللهِ بُدَّناً مُنْقِیات، غَیرَ مُتْعَبَات وَلاَ مَجْهُودَات، لِنَقْسِمَهَا عَلَى كِتَابِ اللهِ وَسُنَّةِ نَبِیهِ‌علیه السلام».

به نظر می‌رسد امام بر رعایت حقوق حیواناتی كه به منزلة زكات در دست كارگزارش قرار دارند، تأكید و اهتمام بیشتری دارند؛ زیرا این نوع حیوانات، اسیر آن كارگزارند و مال دیگران هستند، نه مال آن كارگزار، بنابراین، امام بیم آن داشته است چه‌بسا كه كارگزار به سیری و گرسنگی و چاقی و لاغری آنها توجه نداشته باشد و به آن اهمیت ندهد. از این‌روی، امام‌(ع) بر رعایت حقوق حیواناتی كه در دست غیرمالكان آنها هستند و سود مستقیمی برای نگهداری‌كنندگان ندارد، حساسیت بیشتری نشان می‌دهد. نكتة قابل توجه اینكه حضرت، حفظ و رعایت حقوق حیوانات را به نظام دینی و الهی نسبت می‌دهد و برای این كار اجر و مزد اخروی و معنوی قائل می‌شوند: «فَإِنَّ ذلِكَ أَعْظَمُ لاَِجْرِكَ، وَأَقْرَبُ لِرُشْدِكَ، إِنْ شَاءَ اللهُ».

امیر المؤمنین‌(ع) به حیوانات بیمار و شكسته‌پا و پیر و فرسوده نیز توجه دارد و از گرفتن آنها بجای زكات نهی می‌كند: زیرا این كار مستلزم حركت دادن و طی راه‌های طولانی است و بی‌تردید چنین حیواناتی در راه اذیت خواهند شد: «وَلاَ تَأْخُذَنَّ عَوْداً، وَلاَ هَرِمَةً، وَلاَ مَكْسُورَةً، وَلاَ مَهْلُوسَةً، وَلاَ ذَاتَ عَوَار». امام علی‌(ع) به كارگزارش تأكید می‌كند كه حیوانات را به فردی خیرخواه و مهربان و درستكار و امین بسپارد تا آنها را آزار ندهد: «و بر آن مگمار جز خیرخواهی مهربان، و درستكاری نگاهبان كه نه بر آنان درشتی كند و زیا‌ن‌شان رساند ونه مانده‌شان سازد و نه خسته‌شان گرداند». حقوق حیوانات و عدالت نسبت به آنها در سیرة علوی تا آنجا مورد تأكید و سفارش است و اهمیت دارد كه حضرت در مقابل تمام هستی و اقلیم هفتگانه، حاضر به گرفتن پوست جویی از دهان مورچه‌ای به ظلم و ناروا نیست: «وَاللهِ لَوْ أُعْطِیتُ الاَْقَالِیمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلاَكِهَا، عَلَى أَنْ أَعْصِی اللهَ فِی نَمْلَة أَسْلُبُهَا جِلْبَ شَعِیرَة مَا فَعَلْتُهُ...». حضرت امیر‌(ع) در هنگام ضربت خوردنش توسط ابن‌ملجم‌لعنة‌الله‌علیه، به امام حسن‌(ع) و امام حسین‌(ع) سفارش می‌كند كه پس از شهادت ایشان، بیشتر از یك ضربه را بر ابن‌ملجم نزنید و او را مُثله نكنید و سپس با اشاره به سخن پیامبر(ص)، مثله كردن را حتی نسبت به سگ هم نهی می‌كند: «انْظُرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هذِهِ، فَاضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَة، وَلاَ یمَثَّلُ بِالرَّجُلِ، فَإِنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ(ص) یقُولُ: «إِیاكُمْ وَالْمُثْلَةَ وَلَوْ بَالْكَلْبِ الْعَقُورِ». در حدیثی از حضرت امیر دربارة ذبح گوسفند چنین آمده است: «گوسفند را نزد گوسفند و شتر را نزد شتر ذبح مكن؛ در حالی‌كه آن دیگری به او می‌نگرد»؛ یعنی احساسات حیوانات را نیز باید در نظر گرفت. در جای دیگر نیز بر نگهداری از حیوانات، به ویژه گوسفند تأكید می‌فرماید: «بهترین چیزی كه انسان در خانه برای خانوادة خود تهیه می‌كند، گوسفند است. هركس در منزل خود گوسفندی داشته باشد، در هر روز فرشتگان خدا دو بار او را تقدیس می‌كنند».

2-3. سیرة علوی و اهتمام به پرندگان، شگفتی‌های آفرینش

پرندگان به منزلة مخلوقات خداوند و نشانه‌های خلقت بی‌بدیل خالق هستی، مورد توجه قرآن و نهج‌البلاغه قرار گرفته است. در قرآن كریم، به داستان پرندگان از قبیل هدهد، غراب (كلاغ)، طیر ابابیل و... از زوایای مختلف اشاره، و گاهی به عنوان الگوی رفتاری و پندآموز انسان معرفی شده است. در سوره مائده، پس از اینكه یكی از دو فرزندان آدم، برادر خود را به قتل می‌رساند، خداوند كلاغی را می‌فرستد تا به قاتل، روش پوشیدن و دفن جسد برادر را نشان دهد. و در نتیجه، برادر قاتل پند می‌گیرد و همان‌گونه عمل می‌كند و پشیمان می‌‌شود: «سپس خداوند زاغی را فرستاد كه در زمین، جستجو(كندوكاو) می‌كرد؛ تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن كند. او گفت: «وای بر من! آیا من ناتوان‌تر از آن هستم كه مانند این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن كنم؟!» و سرانجام (از ترس رسوایی، و بر اثر فشار وجدان) از نادمان شد».(مائده: 31)

در نهج‌البلاغه نیز در موارد متعددی به توصیف پرندگان و نوع زندگی و پرواز آنها پرداخته شده است؛ از جمله، در خطبه 165، حضرت به وصف پرندگان، به ویژه طاووس می‌پردازد و در حقیقت با این خطبه می‌خواهد بشر را به شگفتی‌های جهان خلقت و قدرت لایزالی خالق متوجه و متنبه كند و به تفكر در ملكوت مالك هستی وادارد.

حضرت امیر در این خطبه به آفرینش شگفت جانداران و مردگان و آرام‌گرفتگان و جنبندگان، اشاره می‌كند و آنها را شاهدان روشن خلقت و صنع و قدرت خداوند می‌داند. «ابتدعهم خلقا عجیبا من حیوان و موات، و ساكن و ذی حركات. فاقام من شواهد البینات علی لطیف صنعته و عظیم قدرته ما انقادت له العقول معترفة به و مسلِّمة له». سپس حضرت گونه‌گونه بودن پرندگان را به عنوان دلایل و نشانه‌های و حدانیت خداوند معرفی می‌كند: «و نعقت فی اسماعنا دلائله علی وحدانیته و ما ذرأ من مختلف صور الاطیار التی أسكنها أخادید الارض و خروق فجاجها و رواسی اعلامها من ذات اجنحة مختلفة م هیأت متبایتة...». امام(ع) در این خطبه به انواع پرندگان اشاره می‌كند: «‌دسته‌ای از این پرندگان را كه فربه بودند، از بالا رفتن و سبك پریدن در آسمان باز داشت و به پرواز در نزدیكی زمین واگذاشت و مرتّب‌شان فرمود با رنگی جدا كه هر یك را بود، به مهارت در قدرت و باریكی در صنعت. بر دسته‌ای از آنها یك رنگ ریخته است و رنگی دیگر بدان نیامیخته است...». امام علی‌(ع) در این خطبه به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر طاووس و خلقت وی را یكی از زیست‌كنندگان محیط پیرامونی انسان مطرح می‌كند: «و من اعجبها خلقا الطاووس الذی اقامه فی احكم تعدیل و نضّد الوانه فی احسن تنضید بجنانح اشرج قصبه و ذنب اطال مسبحه...». بدون شك توجه امام به جزئیات یك پرنده از قبیل پَر، دُم، بال، سر، رنگ، راه رفتن، ناز و كرشمه، كبر و غرور و حتی پیش ماده رفتنش، نگریستن به پر خویش، پوشش زیبا، قهقهه، اندوه و پاهای لاغر و سیه فام،‌ همه هزار نكتة باریك‌تر از مو دارد و اهمیت این پرندگان را به مثابه موجودات جهان خلقت می‌رساند تا بشر هم از زیبایی و دستاوردهای آنها سود ببرد و هم به تأمل و تفكر در آفرینش فرو رود و هم از آنها به طور معتدل و منطقی بهره‌برداری كند.

بدیهی است اهتمام حضرت به طاووس و دیگر پرندگان، تنبیه، هشدار و تأكیدی است بر حمایت همه‌جانبة بشر از این موجودات زیست‌محیطی و پرهیز از آزار و اذیت و تخریب و هلاك آنها. ‌ایشان بشر را به تدبر و تفكر در خلقت ریزترین موجودات دعوت می‌كند و آنها را وادار می‌‌سازد تا از ریزترین موجودات به عظمت و قدرت خالق نظام هستی پی ببرند. امام در این میان به مورچه و ملخ، به‌منزلة دو موجود ریز اشاره می‌كند:

به مورچه و كوچكی جثة آن بنگرید كه چگونه لطافت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درك نمی‌شود. نگاه كنید چگونه روی زمین راه می‌رود ... و اگر خواهی در شگفتی ملخ سخن گو كه خدا برای او دو چشم سرخ با دو حدقه چنان ماه تابان آفرید و به او گوش پنهان و دهانی متناسب اندامش بخشیده است. دارای حواس نیرومند و دو دندان پیشین كه گیاهان را می‌چیند و دو پای داس‌مانند كه اشیاء را برمی‌دارد ... ملخ‌ها نیرومندانه وارد كشتزار می‌شوند و آنچه میل دارند می‌خورند؛ در حالی‌كه تمام اندام‌شان به اندازه یك انگشت باریك نیست.

بدیهی است دقّت حضرت در توصیف این موجود و تشریح ساختمان بدن ریزترین آنها، نشانگر اهمیت این موجودات در جهان هستی است. بنابراین، همان‌گونه كه قبلاً گفته شد، این موجودات زیبا و با اهمیت از این‌روی كه مخلوق و مصنوع خداوندند و به دلیل ارتباطی كه با او دارند و متعلق به اویند، باید مورد توجه و مهرورزی انسان قرار گیرند. انسان نیز همان‌طور كه در برابر خداوند مسئول است، در برابر مخلوقات او نیز مسئولیت دارد. حضرت امیر‌(ع) موجودات و حیوانان و پرندگان و به طور كلی محیط زیست را عناصری به هم پیوسته و مكمل یكدیگر می‌داند كه به رغم اختلاف‌ها و تفاوت‌ها، ارزش ذاتی یكسانی در نظام هستی دارند:

اگر اندیشه‌ات را بكار گیری تا به راز آفرینش پی برده باشی، دلایل روشن به تو خواهند گفت كه آفریننده مورچه كوچك همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست؛ به جهت دقّتی كه جدا جدا در آفرینش هر چیزی بكار رفته، و اختلافات و تفاوت‌های پیچده‌ای كه در خلقت هر پدیده حیاتی نهفته است، همه موجودات سنگین و سبك، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یكسانند، و خلقت آسمان و هوا و بادها و آب یكی است.

حضرت سپس همة پدیده‌های پیرامون و زیست‌محیط را نشانه‌های روشن پروردگار می‌داند: «پس اندیشه كن در آفتاب و ماه، درخت و گیاه، آب و سنگ، و اختلاف شب و روز و جوشش دریاها، و فراوانی كوه‌ها، بلندى‏قله‏ها، و گوناگونی لغت‌ها، و تفاوت زبان‌ها كه نشانه‌های روشن پروردگارند. پس وای بر آن كس كه تقدیركننده را نپذیرد و تدبیر‌كننده را انكار كند».

3-3. رویكرد نهج‌البلاغه به آبادانی و بهره‌وری زمین

آبادانی زمین یكی از مواردی است كه در نهج‌البلاغه بدان توجه شده است. امام‌(ع)، میان گرفتن خراج و آبادنی ارتباط تنگاتنگی را لحاظ می‌كند؛ ایشان معتقد است گرفتن خراج باید به گونه‌ای باشد كه به زمین و كشت و محصول آسیب نرساند: «و تفقد أمر الخراج بما یصلح اهله وفانّ فی صلاحه و صلاحهم صلاحا لمن سواهم و لا صلاح لمن سواهم الّا بهم لانّ الناس كلّهم عِیال علی الخراج و اهله و لیكن نظرك فی عِمارة الارض أبلغ من نظرك فی استجلاب الخراج لأنّ ذلك لایدرك الا بالعمارة...» حضرت در این نامه تنگدستی ساكنان زمین را باعث ویرانی آن می‌داند و در این میان، نقش والیان و كارگزاران را مهم و برجسته معرفی می‌كند: «... و زمین جز با تنگدستی ساكنان آن ویران نشود. مردم شهرها هنگامی تنگدست گردند كه والیان روی به گردآوری مال آرند...». حضرت حتی در دعای طلب باران، به آبادانی و سرسبزی و گیاهان و حیوانات توجه می‌‌كند:

خدواندا كوه‌های ما از بی‌آبی شكاف خورده و زمین ما غبار‌آلود و دام‌های ما در آغل‌های خود سرگردانند و چون زن بچه مرده فریاد می‌كنند ... خدایا بارانی ده كه بسیار ببارد تا زمین‌های بلند ما پر گیاه شود و در زمین‌های پست روان گردد و نعمت‌های فراوان در اطراف ما گسترش یابد تا با آن میوه‌های ما بسیار، گله‌های ما زنده و فراوان، و سرزمین‌های دورتر از ما بهره مند گردند ... خدایا بارانی ده دانه‌درشت كه پیاپی برای سیراب شدن گیاهان ما ببارد...

حضرت امیر در خطبه 91، فلسفة هبوط آدم را آبادانی زمین معرفی می‌كند: «هنگامى كه زمین را آمادة سكونت نمود و فرمان خویش را جارى ساخت، آدم‌(ع) را از میان مخلوقاتش برگزید ... پس از توبه او را از بهشت ‏به زمین فرستاد تا با نسل خود زمین را آباد سازد و بدین وسیله حجت را بر بندگان تمام كرد». امام‌(ع) در جای دیگر به درختكاری و حفاظت از درختان نخل توصیه می‌فرماید: «... با كسی این اموال در دست اوست شرط می‌كنم اصل مال را حفظ كرده، تنها از میوه و درآمدش بخورند و انفاق كنند و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشند تا همة این سرزمین یكپارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد كه راه یافتن در آن دشوار شود». در سخنان امام(ع) چند نكته اهمیت ‌دارد: 1. نگاه اقتصادی به زمین و درختان و تأكید بر انتفاع از میوه و ثمره و حفظ اصل آنها؛ 2. تأكید بر یكپارچه‌سازی مزارع كشاورزی كه در دنیای معاصر در بخش كشاورزی به آن توصیه می‌شود؛ 3. نگاه زیباشناسانه به درختان، علاوه بر استفاده از میوه و فایده‌‌های مادی آنها. به عبارت دیگر، حضرت معتقد است كه ‌افزون بر میوه‌دهی و نقش اقتصادی، از درختان می‌توان برای لذت‌بخشی چشم و ایجاد آسایش روحی و روانی نیز بهره‌مند شد.

نتیجه‌گیری

خداوند با مسخر قراردادن آسمان و زمین برای انسان ـ خلیفه خدا بر روی زمین ـ به معرفی نعمت‌های دنیوی و موارد استفاده و كاربرد آنها می‌پردازد، امّا اینها همه به معنای ایجاد حق ویران كردن طبیعت یا استفاده‌های بی‌حدوحصر و نابجا از زمین و اكوسیستم‌ها و زیست‌بوم‌های مختلف نیست تا حق با لین وایت و دیگر مدافعان اخلاق زیست‌محیط غربی باشد كه ادیان آسمانی را عامل اساسی تخریب محیط زیست می‌دانند. در منابع دینی، به ویژه نهج‌البلاغه هر جا سخن از استفاده و برخورداری از مواهب طبیعی است، به دنبال آن روش صحیح برخورد با زیست‌بوم‌ها و میزان و حدومرز و چگونگی استفاده از آنها بیان شده است. حضرت علی‌(ع) در نهج‌البلاغه، پدیده‌های طبیعی را به لحاظ داشتن ویژگی‌هایی همچون زیبایی و خدمت‌رسانی به انسان، دارای ارزش می‌داند و آنها را وسیله‌ای برای تأمل و تفكر انسان برای پی بردن به قدرت و عظمت و دانایی خالق هستی می‌داند. از این‌روی، بر رعایت رفتار عادلانه و توجه و اهتمام به زیست‌بوم‌ها به طور ویژه تأكید می‌كند و راه‌كارهای عینی استفادة درست از موهبت‌های الهی را پیش‌روی انسان‌های عادی قرار می‌دهند. علی‌(ع)، در نهج‌البلاغه به تنظیم رفتار كارگزارنش، در بهره‌برداری از حیوانات به گونه‌ای دقیق و قابل توجه پرداخته است. حضرت، سِیری و راحتی گوساله و نوزاد را معیار و میزان بهره‌برداری از شیر ماده گاو می‌داند و سواری بر چارپایان را تا حدّی مجاز می‌داند كه مركب، خسته و رنجور نشود. اقلیم‌های هفت‌گانه را در مقابل سلب پوست جوی به ناحقّ از دهان مورچه، جایز نمی‌داند. پرندگان را نشانه‌ها و دلایل شگفت‌انگیز جهان آفرینش و قدرت لایتناهی خالق هستی می‌داند و انسان را به تدبّر و تامّل در خلقت آنها، تشویق، توصیه و امر می‌كند. به اعتقاد نگارنده، منشأ اشتباه‌های مدافعان اخلاق زیست‌محیطی در انتساب تخریب محیط زیست به آموزه‌های آسمانی و ادیان الهی، به این نكته برمی‌گردد كه انسان، حیوان یا گیاهان را محور اخلاق می‌دانند؛ در حالی‌كه بر اساس آموزه‌های دینی، اخلاق زیست‌محیطی، اخلاقی خدامحور می‌باشد. در این دیدگاه، استفاده از پدیده‌های طبیعی بر اساس نیاز و ضرورت، جایز و استفاده نابجا و بی‌حدّ‌و‌حصر ممنوع شده است.

منابع

نهج‌البلاغه، گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه سیدجعفر شهیدی، چ بیست و یكم، تهران، شركت انتشارات علمی و فرهنگی، 1380.

پرتوی از نهج البلاغه (با نقل منابع و تطبیق با روایات مآخذ دیگر)، ویراستاری محمدمهدی جعفری، گردآوری محمدبن حسین شریف الرضی، ترجمه محمود طالقانی، ، چ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374.

ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالجیل، المجلد السابع، بی‌تا.

بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه، بحرین، مكتبة فخراوی، بی‌تا.

امین‌زاده، بهناز، «جهان بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت»، محیط شناسی، ش 30، 1381، ص 97-107.

تاریمرادی، احسان و محمد تقی فخلعی، «مبانی و احكام فقهی محیط زیست»، مطالعات اسلامی، ش 71، بهار، 1385، ص 31-66.

جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چ ششم، ج هفتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1385.

جمعی ازنویسندگان، اخلاق كاربردی، قم، پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلامی، 1386.

چاپمن، آدری آر، و همكاران، علم و الاهیات، ترجمه ابو الفضل حقیری، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1385.

دشتی، محمد و سید كاظم محمدی، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، مشهور، 1380.

شریفی، احمدحسین، آئین زندگی(اخلاق كاربردی)، تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، مركز برنامه ریزی و تدوین متون درسی، قم، دفتر نشر معارف، 1384.

طاهری، حبیب الله، درس‌هایی از اخلاق اسلامی، چ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1384.

طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، قم، اندیشه، بی‌تا.

طوسی، ابوجعفرمحمدبن حسن، تهذیب‌الاحكام، چ چهارم، تهران، دارالكتب الاسلامیه، 1407ق.

عابدی سروستانی، احمد و همكاران، «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأكید بر دیدگاه اسلامی»، اخلاق و علوم و فناوری، سال دوم، ش 1و2، 1386، صص 59-68.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحارالانوار، بیروت، موسسة الوفاء،‌ 1404ق.

Lynn White . jr.,"The Historical roots of our ecological crisis", Science 155, 1967, P.1203-7